

### متن پرسش

عرض سلام: سوال من درباره رابطه خلق با خداست. خدا وجود بینهایت است و طبق قاعده بسیط الحقیقه کل الاشیا ما هم از خداییم. در عرفان می‌گویند ما تعین خداییم. ۱. این تعین یا ظهور یافتن چگونه بوده؟ آیا درست است اینگونه بگوییم که خداوند حدودی از وجود خود را اگر ظاهر سازد عالم مجردات شکل می‌گیرند مثل روح و فرشتگان و عقل و اگر این وجود محدود ترشود عالم ماده شکل می‌گیرد و در این صورت ذات خدا متصل به عالم ماده و مجرداتست بلکه مادیات و مجردات محدودهای از وجود لایتناهی خداست. یعنی به این صورت که انسان وجود خود را امتداد بدهد می‌رسد به عالم مجردات و اگر علم غیب داشته باشد می‌بیند که اتصال دارد به وجود خدا بدون هیچ انفکاک و قسمتی از وجود خداست. ۲. سوال بعدی اینکه اگر خداوند وجود نامحدود است نباید تغییری کند و هدفی داشته باشد (از خلقت) مگر اینکه ذاتا خالق باشد پس این تجلیات ازلی هستند و از ازل بوده اند. درست است؟ ۳. تجلیات خدا محدودند ما فی البداهه می‌بینیم وجود ما که تجلی خداست محدود است. آیا محدودیت تجلی باعث محدودیت خدا نمی‌شود؟ چرا تجلیات خدا نامحدود نیست تا مانع از محدودیت شود.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. بحث در خلیفة الاهی انسان است به عنوان مظهر اسماء الاهی. و به همین جهت واژه «تعین» اگر هم گفته می‌شود، مسامحةً گفته است. ۲. همین‌طور است. در نسبت با خدا، ولی نسبت به مخلوقات بر اساس قوه‌ها و امکاناتی که دارند، جلوات خدا تغییر می‌کند. ۳. خیر! این محدودیت به جهت وجه امکانی ما می‌باشد. موفق باشید